

مریم رجوی: از انقلاب ۵۷ تا قیام ۹۶ - برای آزادی، به نام آزادی، به سوی آزادی ۲۱ بهمن ۹۶

روز شنبه ۲۱ بهمن ۹۶ به مناسبت سالگرد انقلاب ضدسلطنتی در ۲۲ بهمن ۵۷ و قیام مردم ایران در دی ماه ۹۶، مریم رجوی در جلسه‌ی با عنوان «قیام مردم ایران، خیزش جوانان برای سرنگونی رژیم» سخنرانی کرد. وی در سخنرانی خود گفت:

هموطنان،

جوانان قیام‌آفرین،

در سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ به مردم و جوانانی که دیکتاتوری شاه را سرنگون کردند و به جوانانی که امروز برای براندازی دیکتاتوری شیخ به‌پاخاسته‌اند، درود می‌فرستیم.

انقلاب بهمن برای آزادی و دموکراسی در ایران بود. اما خمینی دجال رهبری‌اش را دزدید و آن را به گرداب خون کشاند. پس سلام بر دلیران و شجاعانی که امروز برای رهایی انقلاب اسیر شده از چنگال ولایت فقیه به‌قیام برخاسته‌اند. و زبان حال‌شان این است که «می‌کشم از دهن گرگ برون، انقلابی که به سرقت بردند».

یاد زنان و مردان پیشتازی گرامی باد که از بینش و عزم و فداکاری‌شان، آن بهمن بزرگ به‌وجود آمد. به حنیف‌نژاد و سعیدمحسن و بدیع‌زادگان و احمدزاده و پویان و جزنی، هزاران درود.

شاه و دیکتاتوری سلطنتی و حامیان استعماری‌اش علیه دکتر مصدق، پیشوای تاریخی ما، کودتا کردند دیکتاتوری شاه جنبش‌های آزادی‌خواه را قلع و قمع کرد. و مجاهدین و فدایی‌ها را دسته‌دسته اعدام کرد یا به زندان انداخت.

من به یاد می‌آورم سال‌های دهه ۵۰ را که زندان‌های شاه پر از زندانی سیاسی بود. خانواده‌ها چند روز در هفته پشت در زندانها در شهرهای مختلف برای دیدار فرزندان و بستگانشان جمع می‌شدند. و من هم برای دیدار برادرم محمود، در جمع آنها بودم. زندانیان سیاسی تحت شکنجه‌های ساواک بودند و این خشم مردم را هر روز بیشتر می‌کرد. جامعه تحت سرکوب، تشنه آزادی بود و با پیشتازی سازمان‌های فدایی و مجاهدین فضای رعب و وحشت شکست و دیوار اختناق فرو ریخت. آن روزها دانشگاه‌ها در شور و التهاب بود. و اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها هر روز بیشتر می‌شد. نهایتاً دیکتاتوری سلطنتی زیر فشار قیام‌ها و تظاهرات عمومی ناچار شد آخرین گروه زندانیان سیاسی را هم آزاد کند. آخرین دسته در ۳۰ دی ۵۷ آزاد شدند. مسعود به همراه موسی و اشرف، با تعداد دیگری از مجاهدین و فدایی‌ها آزاد شدند.

آن لحظه را هیچ کس فراموش نمی کند. وقتی که مسعود روی بالکن زندان قصر ظاهر شد و خطاب به مردم گفت: این شما هستید که ما را آزاد کردید. این قیام شماست...

باز یادم می آید ۳ روز بعد از آزادی، یعنی در ۴ بهمن مسعود به دانشگاه تهران رفت و در سخنرانی‌ش رودروی خمینی، به جای چیزی به نام انقلاب اسلامی که بوی دیکتاتوری تحت نام اسلام می داد، با صراحت تمام از انقلاب دمکراتیک مردم ایران دفاع کرد. این اولین بار بود که ما و مردم مان در آن جا کلمه انقلاب دمکراتیک را می شنیدیم. واقعا مطرح کردن انقلاب دمکراتیک در آن زمان، شجاعت و جسارت زیادی می خواست. زیرا در آن موقع در خرافه های ۴۰ سال پیش، ادعا می کردند که تصویر خمینی را در ماه دیده اند!

در همان سخنرانی اول، مسعود بازهم به صراحت گفت انقلاب تازه آغاز شده و من اینجا نیامده ام روند خودبه خودی قضایا را تایید کنم. نیامده ام فقط آنچه را که هست و فقط هست ستایش کنم. لختی هم باید به آنچه اندیشید که باید باشد، یعنی آزادی...

و باز همان جا بود که گفت، ای برادران و خواهران، ما مجاهدین سر نداده ایم که به جایش زر بگیریم مگر جانمان را برای این داده بودیم که به جایش جاه بگیریم. او تاکید کرد که حرمت کلمه آزادی باید حفظ شود. مسعود در باره طلوع صبح آزادی گفت: مگر می شود خورشید را کشت مگر می شود باد را از وزیدن باز داشت و باران را از باریدن؟ مگر می شود مانع روییدن لاله ها شد. و مگر می شود ملتی را تا به ابد اسیر نگه داشت؟ نه هرگز نمی توان خلقی را تا به ابد در زنجیر نگه داشت.

اینها روزها و لحظات فراموشی ناپذیر آن انقلاب است. و البته شرح حال امروز مردم ایران هم هست. اما خمینی که به دلیل دیکتاتوری شاه و اعدام مجاهدین و فدایی ها شرایط برایش فراهم شده بود رهبری انقلاب را به سرقت برد و مسیر ارتجاع و استبداد را در پیش گرفت.

یک سال بعد، خمینی قانون اساسی ولایت فقیه یعنی حاکمیت ملایان به جای حاکمیت مردم را به کرسی نشاند و چند سال بعد به قول خودش سلطنت مطلقه فقیه، یعنی حاکمیت مطلق و بی قید و شرط آخوندی را برقرار کرد. در حالی که مردم ما در قیام هایشان هیچ گاه چنین نظام منحوسی را نخواستند.

خمینی بیشتر فعالان قیام های سال های ۵۶ و ۵۷ را از دم تیغ گذراند. جوانان و نوجوانان مجاهد و مبارز که در دهه ۶۰ و در قتل عام ها اعدام شدند، برپادارندگان همان انقلاب بودند.

خمینی دشمن آرمان های مردم ایران و انقلاب شان بود. دشمن مصدق بود. دشمن انقلاب مشروطه بود. وارث شیخ فضل الله و آخوند کاشانی و همدست او در کودتای ۲۸ مرداد بود. بیلان حکومت خمینی و خامنه ای را می توان در پنج کلمه خلاصه کرد: کشتار، چپاول، ویرانی، صدور ارتجاع و تروریسم تحت نام انقلاب و ویژگی بارز زن ستیزی. تمام ولایت فقیه همین پنج کلمه است.

با این همه، مردم ایران هیچ گاه به این رژیم رضایت نداده اند. هیچ گاه به این رژیم تسلیم نشده اند و هیچ گاه از رؤیای خود برای آزادی و حاکمیت مردم دست برنداشته اند.

این ایستادگی و مقاومت را در کجا می‌توان دید؟ در نه تاریخی مردم ایران به دیکتاتوری مذهبی. در مجاهدین، در ارتش آزادی‌بخش ملی و پایداری‌شان در برابر سرکوب و توطئه‌های منطقه‌یی و بین‌المللی، در یک جایگزین دموکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت، در بی‌شمار قیام‌ها در سراسر ایران و در آگاهی عمیق جامعه ایران. این آگاهی در رواج برابری‌طلبی به‌خصوص در میان جوانان دیده می‌شود. این مهمترین دستاورد جامعه ایران در مقاومت علیه یک رژیم زن‌ستیز است. آینده ایران در هر حال، بر پایه برابری زنان و مردان خواهد بود. آگاهی جامعه ایران را در اقبال عمومی از اصل جدایی دین و دولت می‌توان دید. این اصل را همراه با یک طرح مشخص، شورای ملی مقاومت در سال ۱۳۶۴ تصویب کرده است. آگاهی عمیق جامعه، در شکست ارتجاع و بنیادگرایی دیده می‌شود. می‌بینید که شعار قیام‌های ایران مرگ بر اصل ولایت فقیه است و سرانجام مهم‌ترین نمود آگاهی و بلوغ جامعه ایران در ایستادگی یک جایگزین دموکراتیک است. یعنی شورای ملی مقاومت و مشخصاً عنصر رهبری‌کننده مقاومت و قیام که راه و جهت آن را ترسیم می‌کند. قیامی که از دی ماه شروع شده است، تبلور همین ارزش‌هاست. پس، خبر بسیار مهم این است که ارتجاع و بنیادگرایی که در سال ۵۷ با حاکمیت ارتجاع مذهبی در ایران متولد شد، در قیام‌های ۹۶ مرد و مردار شد.

جوانان قیام‌آفرین و برانداز،

دختران و پسران شجاع ایران،

شما در قیام دی‌ماه، برچیدن بساط حکومت آخوندها را آغاز کردید. این یک آغاز فرخنده است. خامنه‌ای و سپاه پاسداران‌اش همه راه‌ها و روزنه‌ها را به‌روی شما بسته بودند، اما اراده شما بر آن‌ها پیروز شد. بنابراین، به‌استمرار قیام‌ها یقین داشته باشید. این جنبش، از رنج‌های شما و خون‌های یاران‌تان ساخته شده است. این جنبش از خون دل ده‌ها میلیون ایرانی ساخته شده است. این جنبش توقف نخواهد کرد. زیرا شرایط به‌وجودآورنده‌اش به‌قوت خود هم‌چنان باقی است. کما این که همین حالا شما جوانان شجاع ایران آن را ادامه می‌دهید و در صحنه حاضرید.

دوستان عزیز،

سه‌عامل اساسی در ایجاد قیام‌ها نقش داشته است. همین سه‌عامل نیز ظرفیت ادامه آن را فراهم کرده است: یکی نارضایتی‌های متراکم و انفجاری، دوم تغییر اوضاع بین‌المللی به‌زیان رژیم و یک ائتلاف منطقه‌یی علیه دخالت‌های بنیادگرایانه و جنگ‌افروزان رژیم و سومین عنصر تعیین‌کننده، حضور مجاهدین و مقاومت ایران و نقش رهبری‌کننده آن است. اجازه بدهید این سه‌عامل را بیشتر توضیح بدهم: اول این که جامعه از خشم و نفرت علیه رژیم پر شده است. دیوار ترس ترک برداشته است. دستگیری حداقل ۸ هزار نفر نتوانسته اراده قیام را ضعیف کند.

سپاه پاسداران و بسیج ضدمردمی روحیه و بنیه خود را از دست داده‌اند. زمین و زمان برای ادامه و گسترش قیام‌ها آماده است؛ به‌اعتصاب‌ها و تظاهرات بی‌وقفه کارگران و زحمتکشان نگاه کنید. اعتراض‌های دانش‌آموزان و دانشجویان را ببینید. پیام گسترش این اعتراض‌ها چیست؟ این اعتراض‌ها فریادی است که هر روز قوی‌تر می‌شود. فریاد آزادی‌خواهی، فریاد قیام، و فریاد من براندام.

به‌همه به‌پاخاستگان، به‌خصوص خواهران و برادران کارگران درود می‌فرستیم. در سال ۵۷ نفتگران شریف ایران، با اعتصاب بزرگ‌شان رژیم شاه را به‌زانو درآوردند. امروز هم کارگران، ایران را از فریاد اعتراض پر کرده‌اند. آنها بخش مهمی از قیام و جنبش براندازی در ایران هستند. سلام به کارگران و زحمتکشان ایران. اعتراض‌های هموطنان غارت‌شده نیز، هم‌چنان ادامه دارد. آن‌ها به فساد و دزدی بی‌پایان آخوندها اعتراض می‌کنند. دو روز پیش خامنه‌ای گفت «فساد مثل اژدهای هفت‌سر افسانه‌هاست»، بله، فساد رژیم ولایت فقیه، اژدهای هفت سر است. اما سر اصلی این اژدها در بیت خامنه‌ای است.

دوستان عزیز،

دومین عامل ادامه قیام‌ها تحول در سیاست بین‌المللی است.

خامنه‌ای همیشه و به‌خصوص در ۱۶ سال گذشته از سیاست دولت‌های آمریکا، بیشترین سودها را برده است. اگر دولت‌های گذشته آمریکا بارها برای خامنه‌ای و رژیم آخوندی راه باز نمی‌کردند، یا سکوت نمی‌کردند، او نمی‌توانست در عراق و سوریه به‌چنین دخالت‌های ویرانگری دست بزند، و نمی‌توانست از امتیاز خلع سلاح، محاصره و بمباران مجاهدین و ارتش آزادی برخوردار شود. اما امروز دیگر خامنه‌ای پشتوانه مماشات آمریکا را از دست داده است. بنابراین برخلاف گذشته، اراده ملت ایران برای خیزش و تهاجم علیه رژیم با مانع بین‌المللی مواجه نیست. اما سومین عامل حضور فعال مجاهدین و مقاومت ایران است. که خوشبختانه با خطوط هدایت‌کننده، سمت‌گیری نویی برای این جنبش فراهم کرد. این همان عنصر تعیین‌کننده‌ی است که راه نشان می‌دهد، جهت می‌دهد و از انحراف باز می‌دارد. این همان عنصر راهنما و رهبری‌کننده است که استمرار قیام را تضمین می‌کند. و در قیام‌های اخیر از جمله در نقش‌آفرینی هزار اشرف بارز شد.

هر چه کانون‌های شورشی تکثیر می‌شود قدرت خیزش شما بیشتر می‌شود. راستی این کانون‌ها در چه شرایطی شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند؟

از یک طرف، نارضایتی و عصیان متراکم و انباشته در همه شهرها و روستاهای ایران و از طرف دیگر جوشش خون شهیدان و خون قتل‌عام‌شده‌هاست. تویسرکان که در جریان قیام، یکی از شدیدترین درگیری‌ها در آن‌جا اتفاق افتاد می‌دانید کجاست؟ این همان شهری است که هنگام قتل‌عام در سال ۶۷، مجاهدین زندانی را جلوی چشم مردم در خیابان‌ها دار زدند. حالا از همان شهرها قیام‌ها می‌جوشد.

همچنان که مسعود در یکی از پیام‌هایش به قیام‌کنندگان گفت: ما «از مرگ و از اعدام و قتل عام قوی‌تریم. هر گاه که درو می‌شویم دوباره با رویش جوانه‌ها پربارتر از جا بر می‌خیزیم. قیام می‌کنیم و به براندازی بنا و بنیاد دشمن که همان اصل ولایت فقیه باشد، ادامه می‌دهیم».

دختران و پسرانم در سراسر ایران،

موضوع دیگری که می‌خواهم به تک تک شما یادآوری کنم مسئولیت شماست. استمرار و گسترش قیام‌ها را مسئولیت خود بدانید. دو سال پیش هم در گردهم‌آیی سالانه مقاومت گفتم که «برای دستیابی به یک جمهوری آزاد و برابر، نه وقوع معجزه‌یی متصور است و نه شانس و تصادفی به سود ما در کار خواهد بود. تمام دارایی ما، ملت ایران است و فرزندان پیشتازش و این البته بزرگترین قدرت جهان است. پس همه چیز را باید از دست‌ها و اراده‌های خودمان انتظار داشته باشیم. و برای همین است که باید هزار اشرف بسازیم».

و حالا حرف من این است که یک به یک شما جوانان جسور، وقتی که متشکل می‌شوید، نقش تعیین‌کننده دارید. بسیاری از شما، نقش فعالی در تکثیر یک، دو، سه، صد و هزار اشرف داشته‌اید، این کانون‌ها، قیام آفرین هستند یا بهترین کمک‌کاران به قیام‌کنندگان هستند، شما می‌توانید کانون‌های بیشتری تشکیل دهید و قیام را سازمان دهید. می‌توانید این کانون‌ها و شوراهای مقاومت را در هر دبیرستان و دانشگاه و کارخانه و اداره و محله برپا کنید. می‌توانید در همین چارچوب با تشکلهای محلی یا به صورت تکی به خانواده زندانیان و شهیدان قیام کمک کنید. می‌توانید تجارب و رهنمودهای قیام را در اختیار همگان قرار دهید. قیام و استمرار و گسترش آن، هزاران وظیفه و مسئولیت در مقابل تک تک ما قرار می‌دهد. مطمئناً هریک از شما می‌توانید بخشی از این وظایف را بر عهده بگیرید.

شما زنان، جوانان، کارگران، زحمتکشان و محرومان، نیروی عظیم انفجاری در مقابل دیکتاتوری مذهبی هستید. و در صف مقدم، نقش شما بی‌جایگزین است. پس برای گسترش و استمرار قیام‌ها و سرنگونی این رژیم و استقرار آزادی با تمام قوا وارد میدان شوید.

همچنین می‌خواهم تأکید کنم که به کسانی که از قدرت سپاه پاسداران دم می‌زنند، اعتنا نکنید. آن‌ها وقتی قدرت دارند که قیام و اعتراضی در کار نباشد. قدرت آن‌ها در حالتی است که همه تسلیم شده باشند. اما وقتی که هر یک از شما برای پیشبرد قیام نقشی برعهده بگیرید، آن‌ها ناتوان می‌شوند.

در این‌جا همه افرادی را که در استخدام قوای سرکوب و مشخصاً سپاه پاسداران و بسیج ضد‌مردمی هستند فرا می‌خوانم که از خدمت پرنگ و عار به این نیروهای جنایت‌پیشه سرپیچی کنند. فقر و ناداری هزار بار بهتر از حقوق و دستمزدی

است که توسط قاتلان و شکنجه‌گران پرداخت می‌شود. صف خود را از جلادانی که نوجوانان محروم ایده و ورود و اراک را کشتند جدا کنید.

خطاب من هم چنین به پرسنل ارتش و نیروی انتظامی است. از هر گونه همکاری با پاسداران جنایتکار خودداری کنید. اجازه ندهید آخوندها از شما در ریختن خون فرزندان ایران سوءاستفاده کنند.

و سرانجام باز به شما جوانان دلیر می‌گویم که به یاد داشته باشید که جوانان هم‌سن و سال شما در تاریخ چند دهه اخیر بارها دیکتاتوری را به لرزه درآورده‌اند. مهدی رضایی ۲۰ ساله بود که در بی‌دادگاه نظامی، شاه را به محاکمه کشید. فاطمه مصباح، داریوش سلحشور، مسعود شکیبائزاد و حمیرا اشراق در سال ۶۰ بارها سراپای رژیم را به وحشت انداختند. و در سال‌های اخیر صبا و آسیه و فائزه و نسترن و حنیف و سیاوش و سعید و رحمان و مهدیه و سایر شهدای قهرمان که پایداری اشرف را در مقابل خامنه‌ای و مزدوران‌اش شعله‌ور کردند. هریک از آن‌ها این پیام درخشان را اثبات کردند که: «می‌توان و باید». و حالا نسل شما با برپایی قیام‌ها، مظهر همین پیام است. شما نشان دادید که در زیر شدیدترین سرکوب‌ها می‌توان و باید قیام‌ها را برپا کرد. اثبات کردید که می‌توان و باید کانون‌های شورشی را به وجود آورد و بی‌شک بازهم اثبات خواهید کرد که می‌توان و باید رژیم آخوندی را سرنگون و آزادی و حاکمیت مردمی را برقرار کرد.

حالا حرفم با شما جوانانی است که در این‌جا حضور دارید. برای قیامی که در کشورمان شکل گرفته وظایف مهمی برعهده شماست. مطمئناً اگر شما هم در داخل ایران بودید در هر شهری که زندگی می‌کردید، در صف نیروهای قیامی بودید. پس مهم این است که هر کس خودش را در هر کجا که هست مسئول بداند. کافی است که برای قیام و قیام‌آفرینان دلهره و اضطراب داشته باشید در این صورت می‌بینید بسیاری کارها از دست شما ساخته است و می‌توانید در پشتیبانی و پیشرفت قیام سهم جدی داشته باشید. بله، همه شما می‌توانید و باید.

هم میهنان عزیز،

قیام اخیر اثبات کرد که مردم ایران به چیزی جز سرنگونی رژیم و استقرار آزادی رضایت نمی‌دهند، حضور زنان و جوانان در صف مقدم قیام‌ها تضمین ادامه قیام است. زنان ایران ۳۹ سال است که هدف سرکوب و تحقیر سیستماتیک قرار داشته‌اند. تحمیل حجاب اجباری و تحمیل انواع ستم‌ها و آزارهای طاقت فرسا باعث شده است که زنان ایران بیشترین انگیزه را در مبارزه برای به‌زیر کشیدن این رژیم داشته باشند. آن‌ها در برابر انواع سرکوب و حجاب اجباری و اجبارهای دیگر هیچ‌گاه تسلیم نشده‌اند.

از نخستین روزهای حاکمیت خمینی، زنان مجاهد به مخالفت با حجاب اجباری برخاستند و در تظاهرات اعتراضی خواهران‌شان در تهران فعالانه حضور یافتند.

می‌خواهم بر خواست‌هایی که دو هفته پیش در جلسات شورای اروپا گفتم تأکید کنم یعنی: آزادی فوری زندانیان قیام، آزادی بیان و اجتماعات، لغو سرکوب و حجاب اجباری زنان، همین امروز.

ما همیشه گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که نه دین اجباری، نه اجبار دینی، نه حجاب اجباری و نه حکومت اجباری. حالا زمان پایان دادن به این اجبارهاست.

مردم و قیام‌کنندگان ایران تصمیم گرفته‌اند یک جمهوری بر اساس آزادی و دموکراسی برپا کنند. تصمیم گرفته‌اند که ولایت فقیه را سرنگون کنند. تصمیم گرفته‌اند قانون اساسی ولایت فقیه را دور بیندازند و یک قانون اساسی بر اساس آزادی، برابری و دموکراسی جایگزین کنند.

تصمیم گرفته‌اند سپاه پاسداران و بسیج ضد مردمی را واژگون کنند. می‌خواهند به جای برنامه اتمی و سایر برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی، آموزش و درمان، ورزش، تأمین اجتماعی و رفاه و معیشت و اقتصاد کشور را شکوفا کنند.

این نقشه مسیر ماست و قدم اول آن سرنگونی تام و تمام رژیم است.

این نقشه مسیر ما به نام آزادی، برای آزادی و به سوی آزادیست. صبح آزادی ایران و ایرانی فرا می‌رسد.

سلام بر قیام‌آفرینان و خیزش‌های مردم ایران.

سلام بر شهیدان.